

# یادداشت

## گامهای نخست برای توسعه مطبوعاتی

باید برای توسعه همه جانبه مطبوعاتی و جذب نیروهای فکور و متعهد جامعه به این صحنه، سرمایه گذاری معنوی و مادی فراوان کرد. و گامهای جدی و بلند برای رفع موانع توسعه برداشت. فقدان نیروی مجرب و کاردان مطبوعاتی، پایین بودن انگیزه، ذوق و تحرک روزنامه نگاری، وجود موانع حاد اقتصادی، بروز حساسیتهای خاص اجتماعی و فرهنگی، و... از جمله عواملی است که عملاً روند مطلوب توسعه مطبوعاتی را با وقفه رو به رو کرده است. هریک از این عوامل خود به عنوان پشتوانه و زمینه عوامل دیگر نقش تشدیدکننده در عدم ارتقای مناسب سطح مطبوعاتی کشور به عهده داشته است. از این رو، نمی توان برای رفع هر یک بدون توجه به علل دیگر برنامه ای ارائه کرد. تنها انتظاری که می توان داشت این است که با چرخش همه نگاهها به ضرورت توجه به وضعیت مطلوب فرهنگی و مطبوعاتی، پیش نیازها و لوازم یک توسعه همگون مطبوعاتی فراهم آید.

این توجه می تواند برنامه ریزی و سرمایه گذاری فکری، فرهنگی و اقتصادی را در زمینهای که تاکنون به عنوان حرفهای سخت، مشکلزا و فاقد جذابیتها لازم و حریماهایی قانونی معرفی شده است، به تدریج متمرکز کند. تلاش مطبوعاتی وقتی به عنوان یک وظیفه دینی و ملی تعریف شود و در ورای تمایلات و تمنیات مختلف سیاسی و اجتماعی مورد مذاقه و اعمال نظر قرار گیرد، چشمانداز توسعه موزون و مناسب را ترسیم کرده است.

مطبوعات باید با سرمایه گذاری در زمینه جدی ترین نیازهای اجتماعی از افتادن به ورطه دوری از مردم و فرهنگ جامعه پرهیز داشته باشند و بخشهای مختلف جامعه با نگاهی محبت آمیز و حمایتی به فعالیت مطبوعاتی در افزایش روند مشارکت افراد صاحب نظر و متفکر جامعه عملاً حضور یابند. این وقتی میسر است که مبنای مشترکی برای حل و فصل علایق و برداشتهای گوناگون در سطح جامعه فراهم آید، روزنامه نگاری از وضعیت حرفهای بی فرجام و ناامن به صورت شغلی مقدس و دارای حریم و ارزش بدل شود و برای هر سوء تفاهم و اختلاف نظری سنگ بنای مورد قبول پذیرفته باشد. این وزنه و معیار در شرایط کنونی موازین قانونی است که می باید علی رغم هر کمبود و نارسایی که دارد، مبنای داوری و حل اختلاف باشد. در غیر این صورت نمی توان باشکوفاییهای گذرا و سرمایه گذاریهای کوتاه مدت مطبوعاتی، توسعه ای همه جانبه را چشم انتظار بود.

جای خوشحالی است که اکنون «قانون» وجه مشترک خواسته های جامعه مطبوعاتی، کار گزاران مطبوعات و مراجع داوری قرار گرفته است و ما امیدواریم که این اقدام موجبات توسعه بیشتر و همگون جامعه مطبوعاتی و متعهد کشورمان را متناسب با موقعیت تاریخی جامعه و منزلت فرهنگی انقلاب اسلامی در پی داشته باشد.

مطبوعات در دنیای کنونی ما یکی از مناسبترین قالبها برای توسعه فرهنگی و اجتماعی است. امروز جامعه ای توسعه یافته تعریف می شود که بتواند در کنار شاخصه های اقتصادی مثل درآمد سرانه، تولید ناخالص ملی، نرخ مرگ و میر و... بر معیار «آموزش و اطلاعات» و در حقیقت عنصر «دانایی اجتماعی» تاکید کند. در چنین جامعه ای مطبوعات با تولید و توزیع مطلوب اطلاعات، نقش فزاینده بهر موری اجتماعی از آگاهیهای گوناگون و ضروری را به عهده می گیرد و جامعه را در نیل به تعالی و ترقی همه جانبه یاری می رساند.

جامعه ما علی رغم غنای فرهنگی و پیشینه ارزشمند تاریخی، در قیاس با نیازهای روز رسانی های هنوز از نقیصه هایی رنج می برد که در خور تامل و تدبیری جدی است. بر اساس آمارهای موجود سازمان ملل متحد که برای بررسی وضعیت رسانه ای جهان در سال ۱۹۹۰ میلادی تهیه شده است، برای هر هزار نفر جمعیت ایران ۲۲ نسخه روزنامه و برای هر هزار نفر جمعیت باسواد کشور ۳۶ نسخه وجود دارد. در این آمار کشورهایی مثل رومانی، لبنان، شیلی، نیکاراگوئه، مصر، ترکیه، فیلیپین، الجزایر، تونس و... از نظر وضعیت کمی مطبوعات نسبت به کشور ما موقعیت بهتری دارند و ایران از این لحاظ در مجموع پنجاه کشور جهان (از تیراژ ۵۲۶ نسخه در هر هزار نفر ژاپن گرفته تا ۷/۱ نسخه در هر هزار نفر سنگال) در مرتبه سی و پنجم قرار گرفته است.

این در شرایطی است که شاخصه های اقتصادی و اجتماعی توسعه مثل درآمد سرانه، تولید ناخالص ملی، نرخ مرگ و میر افراد و... در کشور ما وضع به مراتب مطلوبتری نسبت به کشورهای مشابه دارد. از این رو، ضرورت توجه به نقش و کارکرد مطبوعات به طور جدی مطرح می گردد. توسعه نیافتگی وسایل ارتباط جمعی به ویژه مطبوعات، به توسعه نیافتگی معرفت، دانش و اطلاعات می انجامد و شکوفایی، خلاقیت، رقابت و رشد فکری و فرهنگی نسلهای نو جامعه را دچار رکود و خمودگی می کند. شاید نیاز به تاکید نباشد که «توسعه یافتگی» مقوله ای منبسط از نیازهای واقعی جامعه و منطبق با مقتضیات و خواسته های اصیل آن است، لذا هرگز به عنوان پدیده ای بیرونی، مصنوعی و مکانیکی مورد بحث و امان نظر نبوده است.

حال این سؤال مطرح است که چگونه می توان بر این نارسایی تاریخی و اجتماعی به نحو واقع بینانه ای فایق آمد و توان نهفته جامعه را در جهت بالندگی اطلاع رسانی درست و تولید توزیع متناسب و شایسته مطبوعاتی به خدمت گرفت؟ بی تردید ارتقای توانمندی فرهنگی و مطبوعاتی و بالا بردن مصونیت اجتماعی در برابر تهاجمات خبیری و فرهنگی استعماری، در گرو ایجاد فضای فعال و پر نشاطی است که بتواند استعدادها و خلاقیت های فکری جامعه را در نشر فرهنگ اطلاع رسانی به کار گیرد و صحنه پرتکاپویی از روزنامه نگاری بیافریند. پشتوانه چنین کاری ایجاد و حمایت از منزلت مطلوب اجتماعی برای فعالیت مطبوعاتی است.